
سید حمیدرضا طالقانی
جلوه هایی از
حریت و عزت
حسینی


بسم الله الرحمن الرحیم

جلوه هایی از حریت و عزت حسینی

نویسنده:

حمیدرضا طالقانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جلوه هایی از حریت و عزت حسینی

مشخصات کتاب

زبان: فارسی

نویسنده: سید حمید رضا طالقانی

ناشر: سید حمید رضا طالقانی

تعداد صفحات: ۱۸

مقدمه

از زمان شهادت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در صحرای کربلا تا به امروز، عالم تشیع سوگوار و ماتم زده مظلومیت حق جویان عرصه عاشورا است راد مردانی که رد فراسوی انسانیت گام نهادند و به پاس داشت عدالت شرافت حریت و هر آنچه مضمون دین خداست از جان خود گذشتند؛ شهیدانی ملکوت نشین که با نثار خون خود، نام و یادحق را بر گستره تاریخ حک کردند؛ عاشقانی که بر استر عقل سوار شدند و با اکسیر عشق مس وجودشان را طلا ساختند و عروج به عرش الهی را بر مانـدن و فسیل شدن در خاک دان بی اعتبار دنیا برگزیدند.امام حسین (ع) استوانه حق و حقیقت و تبلور مجموعه ای تمام از فرهنگ تعالی بخش انسانی برای همه دوره هاست ذکر و یاد نهضت حسینی بیان نامه ای است از قداست حقیقت و عدالت و اعتراضی است به هتک حرمت حریم کبریا، و دفاعیه ای است از جبهه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و اولیای دین خدا، بازتاب عشق به همه انبیای الهی و خاندان وحی است نمایان کننده مهر نبوت بر حقانیت زعامت و حکومت ستم کشان تاریخ است نقش بند صلابت غیرت آزادگی و شجاعت انسان در تجلی گاه ایمان است و بر افراشتن پرچم خداخواهی و آزادمنشی در گستره روزگار است در فرهنگ تشیع و از زاویه نگاه اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، حادثه جان گداز عاشورای حسینی و شور نینوایی کربلا، عظیم ترین واقعه تاریخ و عالی ترین دانشگاه برای تربیت بشر است حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) امام سوم شیعیان

شهیـد سـرزمین کربلا و «ثارالله»است که نهضت عظیم عاشورا، بر محور فداکاری و جان فشانی او شـکل گرفت و تاریخ حیات انسان را از حماسه و ایثار سـرشار کرد و عالی ترین درس عزت و افتخار و آزادگی را به نوع انسان عرضه داشت و با نثار خون حیـات بخش خویش نهال نوپای اسـلام را آبیاری کرد و برای تاریـخ حجت حق طلبی و بیـداری را بر امت محمـد (ص) اتمام نمود.کربلاـ پس از شـهادت امـام حسـین (ع) و یـارانش کـانون الهام و اشـراق شـد و قیام برای عـدالت و آزادگی از هر آنچه نـاراستی است از سرچشـمه عاشورا جوشـید.در فرهنگ شـیعی عاشورا روز مصـیبت عظمی است که در آن بزرگ ترین فاجعه تاریـخ رخ داده و عظیم ترین سـتم هـا بر خانـدان پیـامبر (ص) رفته است شـیعه بر آن است که اهـل جنت در این روز به عزای حسینی می نشینند و در مصیبتی که بر آل محمد (ص) رفته است می گریند. عاشورا، تجلی درگیری و رویارویی حق و باطل و روز فداکاری و جانبازی در راه عقیده و ایمان است رئیس مذهب ما حضرت امام جعفر صادق (ع)، امام زمان (عج را که برای تحقق نهایی حقیقت اسـلام و اتمام و اکمال عملی دین خدا ظهور خواهد کرد، خون خواه حضـرت امام حسین (ع) معرفی می فرماید.حضـرت امام علی بن موسـی الرضا (ع) فرموده است که «در جاهلیت حرمت ماه محرم را نگاه می داشتند و از جنگیدن خودداری می کردند، اما ظالمان در محرم خون های ما را ریختند و حرمت ما را شکستند و فرزندان و زنان ما را اسیر کردند و خیام ما را آتش زده و به غارت بردند و

حرمت پیامبر (ص) را درباره ذریه اش رعایت نکردنـد.»این منطق آل الله: است که پیـدایی اسـلام محمدی (ص) و بقا و تداوم آن حسـین (ع) است یعنی نهضت حضـرت اباعبـدالله الحسـین (ع) دین پیامبر (ص) را احیا می کنـد و چه بسا در توصـیف این حقیقت هیچ بیانی رساتر از فرموده پیامبر خدا (ص) نیست که فرمود:«حُسَیْن ٌمِنّی وَاَنَا مِن ْحُسَیْن ٍ»حسین از رسول خدا است و رسول خـدا از حسـین آری همه مرام و فرهنگ و منش امام حسـین (ع)، ناشـی از ذوب شدن او در دین محمدی (ص) است و دین محمـدی (ص) نیز با قیام امام حسـین (ع) و شـهادتش تفسـیر شد و هم چون برنامه ای عملی و مجسم برای تاریخ در منظر ره پویـان حقیقت و عـدالت قرارگرفت آل الله:؛ حسـین (ع) را چلچراغ هـدایت و کشتی نجـات امت توصـیف فرموده انـد؛زیرا فرهنـگ حسـینی هویت بـارز آزادی و آزادگی است نهضت عاشورا، حادثه ای است که در بستر تاریـخ ظهور می کنـد اما در متن آن مضـمون هـا مفهوم هایی نهفته است که آن را از همه حوادث و وقایع خون بار تاریـخ متمایز می سازد. تجلی فرازهای انسـان سـاز نهضت عـاشورا، زلال زنـدگی بخشـی است که در گستره تاریـخ حیات اسـلام در رگ های مردم جاری گشـته و جـاودانگی حقیقت حقانیت امامت شـرافت عزت حریت عبودیت عـدالت و همه شاخص های دیگر دین خـدا را برای بشـریت تضـمین می کنـد.امام حسـین (ع) و عـاشورای او، مظهور کـدام یـک از خصـلت هـای عالی انسانی نیست او معلم حریت اسوه جهاد، الگوی عبودیت هوادار محض حقیقت مظهور کامل عزت و شـرافت استاد و مدرس رأفت و گذشت و ره پوی عدالت و مروت است

محرم و اوج آن تاسوعا و عاشورای حسینی دانشگاه عظیمی است که بشر تشنه در تاریخ می تواند از آن ایثار و از خود گذشتگی عظمت و عزت افتخار و شرافت علم و اندیشه بخشش و فداکاری شیوایی و فصاحت دلاوری و شجاعت فروتنی و تواضع حلم و متانت تعاون و دستگیری ظلم ستیزی و عدالت و... را فرا گیرد.ما در این سخن کوتاه برآنیم تا جرعه هایی از اقیانوس بی کران عبودیت و بندگی حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) را که در حریت و آزادگی آن امام همام در عرصه کربلاـ تبلور و ظهور یافت نوش کنیم و از میان همه فضیلت های انسانی که در کربلا رقم خورد،این سجیه عالی تربیتی را که به نظر نگارنده این سطور، ریشه و بنیان همه فضایل انسانی است مطالعه کنیم

عبودیت زیربنای حریت حسینی

امام حسین (ع) را به درستی «سرور و سالار آزادگان جهان نامیده اند. آزادگی شأنی از مراتب عالیه انسانی است که جز با مجاهدت نفسانی ریاضت و تهجد به دست نمی آید. انسانی که در تعلقات دنیوی و وابستگی های نفسانی اسیر است هرگز نمی تواند رد مسیر عقیده و آرمان عدالت از جان خویش درگذرد.انسانی که در مردار دنائت دنیا مانده و گندیده و روزگاری را در پی سراب هواها و هوس ها به این سو و آن سوی دویده و برای گذران زندگی به رنگ و ریا متلون شده اسیرنان و نام است چگونه می تواند از این همه بندها و دلبستگی ها برهد؟جبهه حسین (ع)، قبل از آن که جبهه آزادی خواهی در عرصه سیاست باشد، جبهه سلوک الی الله و بندگی خداست رزمندگان این جبهه دیر زمانی است که در

مکتب عشق به خدا، مراتب کمال را پیموده اند و با بندگی کمال مطلق به کمال انسانی متصف شده اند.بندگی خدا، آزادی از اسارت هوا و هوس و دنیاست و بنده خدا، بندگی غیر را برنمی تابد. خورشید حقیقت آن گاه که در جان آدمی درخشید، منظرش را تا افقی لایتناهی می گسترد و جانش را هر چند که در زندان تن اسیر باشد، به فراسوی مادیت ره سپار می کند. انسانی این گونه هرگز نمی تواند گوهر وجودش را به پای سفلگان بریزد، فریب دنیا خورد و آخرت را که تجلی گاه اسرار خداست به متاعی قلیل و بهایی ناچیز، بفروشد.آزادی در مکتب حسین (ع) صرفا یک اراده سیاسی نیست بلکه محصول تربیتی نفسانی و مجاهدتی ایمانی است حسین (ع) فرزند آن امامی است که حریت علوی رااین گونه به تصویر می کشد:«اَلا حُرٌّ یَدَع هذِه اللّماظَه لاَهْلِها؟ اِنَّه لَیْس لاَنْفُسِکُم ثَمَن اِلاَّ الْجَنَّه ، فَلا تَبیعُوها إلاّبِها؛آیا آزاده ای نیست که این خرده طعام در کام دنیا را دور بریزد و برای آنان که در خورآنند، وانهد؟جان های شما را بهایی جز بهشت جاودان نیست پس جز بدان مفروشیدش »نتیجه منطقی این آرمان چیزی جز این نیست که «وَلا تَکُن عَبْدَ غَیْرِک وَقَدْ جَعَلَک اللهُ حُرّاً؛ بنده دیگری مباش زیرا که خداوند، تو را آزاد آفریده است »مبنای تربیت دینی شکل گیری شخصیت انسان در بستر حریت و آزادگی است کمالات انسانی جز از ره گذر بریدن بندهای تعلق و زنجیرهای دل بستگی و وابستگی به دنیا به دست نمی آید، پس ملاک و محک عبودیت حریت و آزادگی است کمال تربیت دینی این است که بنده خدا، او را سر حریت عبادت کند و از

ترس دوزخ و یا طمع جنت و حور و نعیم نیز ازاد باشد. جالب توجه است که این سخن را هم مولای موحدان علی (ع) و هم فرزندش امام حسین (ع) فرموده اند که «اِن َقَوْماً عَبَدُوا اللهَ رَغْبَه ً فَتِلْکَ عِبادَه ُالتُّجارِ، وَاِن َقَوْماً عَبَدُوا اللهَ رَهْبَه ً فَتِلْکَ عِبادَه ُالْعَبیدِ، وَاِن َقَوْماً عَبَدُوا اللهَ شُکْراً فَتِلْکَ عِبادَه ُالاَحْرارِ وَهِیَ اَفْضَل ُالْعِبادَه ؛ همانا گروهی خداوند را از سر طمع و رغبت به بهشت می پرستند، پس این عبادت تاجران است و گروهی او را از ترس دوزخ می پرستند، پس این عبادت بردگان است و قومی دیگر،خدای را از سر شکر و سپاس عبادت می کنند، پس این عبادت آزادگان است که برترین عبادت است »پس در عبودیت نیز مراحل و مراتبی است که ملاک و معیار آن جز حریت و آزادگی نیست هر چند این حریت آزادی از طمع بهشت و یا ترس از دوزخ باشد.در منطق حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، حریت و آزادگی از پای گاه عبودیت آگاهانه می جوشد؛ چنانچه فرمود:«اَیُّهَا النّاس اِن َاللهَ جَل َذِکْرُه ُمآ خَلَقَ الْعِبادَ اِلاّ لِیَعْرِفُوه ُفَاِذا عَرَفُوه ُعَبدُوه ُفَاِذاعَبَدُوه ُاسْتَغْنَوْا بِعِبادَتِه ِعَن ْعِبادَه مَن ْسِواه ؛ ای مردم خداوند که یادش بزرگ است بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند، پس چون او را شناختند، بندگی اش کنند، پس آن گاه که او را بندگی کنند، از بندگی غیر او بی نیاز گردند.»امام در این حدیث شریف تصریح می فرماید که آزادگی از عبودیت و عبودیت ازمعرفت و خود آگاهی سرچشمه می گیرد.در فهم مراتب عبادت پیشگی امام حسین (ع)، مضامین عالیه دعای عرفه آن حضرت ما را بس تا

ریشه غیرت دینی و آزاد منشی او را دریابیم تعابیر شگفت انگیز او در عظمت حضرت حق و بی اندازه ای اسمای حسنای او و بی کرانگی نعمت هایش نشانه تموج خشیتی از پروردگار، در روح و جان اوست که با وجود آن دل سپردن به غیر و کرنش کردن در برابر دیگران بی معناست تنسک و عبادت پیشگی آن چنان با جان امام حسین (ع) آمیخته است که حتی در عرصه کربلا نیز نمی تواند از شیفتگی به نماز و تلاوت قرآن بنابر ضرورت اوضاع اغماض کند. در عصر تاسوعا، آن گاه که در محاصره کامل قرار گرفت و دشمن خود را برای حمله نهایی آماده کرد، عباس بن علی (ع) را فرستاد تا آنان را متقاعد کند که جنگ را به روز بعد موکول کنند و شبی را فرو گذارند تا او و یارانش آن شب را به نماز و تلاوت قرآن سپری کنند و فرمود:«فَهُوَ یَعْلَمُ اَنّی قَدْ کُنْتُ اُحِبُّ الصَّلاهَ لَهُ وَتِلاوَهَ کِتابِهِ وَ کَثْرَهَ الدُّعاءِ وَالاِسْتِغْفارِ؛خدا می داند که من نماز گزاردن و تلاوت قرآن و کثرت دعا و طلب آمرزش را چقدر دوست دارم »عباس (ع) با انان سخن گفت و آن شب را مهلت گرفت امام حسین (ع) و یارانش تمام شب را به نماز و نیایش و طلب آمرزش گذراندند.صدای راز ونیاز آنان تا بامداد، همچون هم همه ای که از کندوی زنبور عسل به گوش می رسید، در دشت کربلا شنیده می شد، گروهی در رکوع بودند و برخی در سجده و جمعی ایستاده و دیگران نشسته خدای را عبادت می کردند.آخرین جلوه تنسک و عبادت پیشگی در عرصه کربلا، نماز حضرت ابا عبدالله و یارانش در ظهر عاشورا

بود که در گرما گرم پیکار، به نماز ایستاده و در زیر باران تیر و نیزه نشان دادند که آزادگی و حریتشان از سرچشمه عبودیت خدا سیراب شده است

دنیا خواهی زیربنای اسارت و زبونی نفس

و اما جبهه یزید، ابن زیاد و عمر بن سعد، جبهه اهل دنیاست آنان که به دنیاخواهی و لذت طلبی خو کرده اند و نمی توانند از زخارف دنیا دست بکشند آنان قبل از آن که در این عرصه رویاروی آل الله (ع) بایستند، در غل و زنجیر متاع دنیا و هواها و هوس ها گرفتار شده اند.در زیارت اربعین حضرت ابا عبدالله می خوانیم که «... وَقَدْ تَوازَرَ عَلَیْه ِمَن ٭غَرَّتْه ُالدُّنْیا وَباع َحَظَّه ُبِالَارْذَل ِالَادْنی وَشَری آخِرَتَه ُبِالثَّمَن ِالَاوْکَس ِوَتَغَطْرَس َوَتَرَدّی فی هَواه ُ...؛... آنان که در مقابل حسین (ع) هم دست شدند، کسانی بودند که دنیا فریبشان داده بود و بهره خود را در ازای بهایی ناچیز فروختند و آخرت خود را به ثمنی اندک از دست دادند، طغیان کردند و خود را در اسارت هوا و هوس سرنگون ساختند...»بنابراین آزادگی و ازادی خواهی صرفا اراده و تصمیم عارضی سیاسی نیست بلکه منشی است که از مبانی جهان بینی توحیدی سرچشمه می گیرد. حریت شاخصی است که صدق و راستی انسان را در مراتب توحید و عبودیت حق تعالی آشکار می سازد و در عرصه ابتلا و امتحان سره را از ناسره باز می نمایاند.

آزادگی معیار گزینش همراهان عاشورایی

حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) بارها و بارها، از آغاز حرکت تا روز عاشورا،حریت و آزادگی یاران خود را در انتخاب این راه آزمود.مفهوم و مضمون ولایت در منطق شریعت تسلیم بی چون و چرا و تبعیت محض از سر اکراه نیست ساحت ولایت عشق و دل دادگی است راست گفتند آنان که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، مولویت را در حدیث غدیرخم و شاه بیت آن «من کنت مولاه فهذا علی مولاه عشق و شیفتگی به علی (ع)

برتافتند،گرچه با مضمون و مفهوم عشق بیگانه بودند. ولایت علوی عشق و دل دادگی به ساحت راد مردانی است که در جذبه حق از هر آنچه جز اوست رهیده اند و در عبودیت و بندگی او ذوب شده اند. عشق و دل دادگی عرصه آگاهی و انتخاب آزادانه است و با اکراه و اجبار،جمع نمی شود. شیفتگی با الزام دست یافتنی نیست و به همین جهت سرور و سالارآزادگان بارها آزادگی یارانش را در انتخاب همراهی با او، ارزیابی کرد.«اَیُّهَا النّاس فَمَن کان مِنْکُم یَصْبِرُ عَلی حَدِّ السَّیْف وَطَعْن الاَسِنَّه فَلْیَقُم مَعَنا وَاِلاّفَلْیَنْصَرِف عَنّا؛ ای مردم هر یک از شما که می تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه ها پایداری کند، با ما همراه شود وگرنه از ما انصراف اختیار کند.»ولایت عشق است و میدان عشق میدان خطر کردن و ابتلا.حضرت سکینه (س) دختر حضرت امام حسین (ع)، نقل می کند که در مسیر کربلا،در شبی که مهتاب دشت را روشن کرده بود، پدرم در جمع اصحاب حاضر شد و خطاب به آنان فرمود:«اِعْلَمُوا اَنَّکُم خَرَجْتُم مَعی لِعِلْمِکُم اَنّی اَقْدِم عَلی قَوْمٍ بایَعُونی بِاَلْسِنَتِهِم وَقُلُوبِهِم وَقَدِانْعَکَس الاَمْرُ لاَنَّهُم اِسْتَحْوَذَ عَلَیْهِم الشَّیْطان فَاَنْسیهُم ذِکْر اللهِ وَالان لَیْس لَهُم مَقْصَدٌاِلاّ قَتْلی وَقَتْل مَن یُجاهِدُ بَیْن یَدَی وَسَبْی حَریمی بَعْدَ سَلْبِهِم وَاَخْشی اَن تَکُون ما تَعْلَمُون وَتَسْتَحُون وَالْخَدَع عِنْدَنا اَهْل الْبَیْت مُحَرَّم فَمَن کَرِه مِنْکُم ذلِک فَلْیَنْصَرِف فَاللَّیْل سَتیروَالسَّبیل غَیْرُ خَطیرٍ وَالْوَقْت لَیْس بِهَجیرٍ وَمَن واسانا بِنَفْسِه کان مَعَنا غَداً فِی الْجَنان نَجِیّاًمِن غَضَب الرَّحْمن وَقَدْ قال جَدّی مُحَمَّد (ص): وَلَدِی الْحُسَیْن یُقْتَل بِاَرْض کَرْبلا غَریباًعَطْشاناً فَریداً فَمَن نَصَرَه فَقَدْ نَصَرَنی وَنَصَرَ وَلَدَه الْقائِم ..؛ای همراهان من بدانید که شما با من خروج کردید در حالی

که فکر می کردید من به سوی مردمی ره سپارم که هم در زبان و هم در دل با من بیعت کرده اند. در حالی که اکنون کار برعکس شده است زیرا شیطان بر آنان چیره گشته و یاد خدا را از خاطرشان برده است و اکنون هدفی جز کشتن من و یارانم ندارند، یارانی که در کنار من جهاد کنند و از حریم من دفاع نمایند، می ترسم که شما این حقیقت را ندانید و یا حیا بورزید، حیله و نیرنگ نزد ما اهل بیت حرام است پس هر کس از شما که همراهی ما را خوش ندارد،بازگردد، تاریکی شب فراگیر شده و راه ها نیز بی خطر است و زمان گرما و شدت حرارت هم نیست و البته هر کس با اختیار خویش دوستی و همراهی ما را انتخاب کند، فردا در بهشت با ما خواهد بود در حالی که از خشم خدای رحمان نجات یافته است زیرا جدم محمد (ص) فرمود: فرزندم حسین در سرزمین کربلا تنها و با لب تشنه کشته می شود، هرکس او را یاری کند، پس مرا و فرزند او قائم آل محمد (عج را یاری کرده است ..»در این روایت امام (ع)، به شدت برانتخاب آگاهانه و آزادانه یارانش پای می فشرد، اوضاع جدید را تحلیل می کند، از سرانجام کار خبر می دهد و یارانش را در رفتن یا ماندن آزاد می گذارد، زیرا در منطق اهل بیت فریب و خدعه حرام است و حتی به آنان گوش زد می کند که اکنون هم از جهت تاریکی شب و حفظ آبرو، و هم از جهت امنیت راه ها و هم به جهت خنکی هوا در شب بهترین اوضاع برای

آنان که از مانـدن اکراه دارنـد،فراهم است او با این منطق به بشـر می فهمانـد که آزادگی و انتخاب آگاهانه شـرط فداکاری و جانبازی در میدان دفاع از ساحت شرف انسانی است سکینه در ادامه حدیث می فرماید: «به خدا سوگند که هنوز سخنان پدرم به پایان نرسیده بود که دیدم مردم ده نفر ده نفر، از اطراف پدرم پراکنده شدند و تنها هفتاد و یک نفر باقی ماندند.»اکنون تنها جمعی انـدک در پیرامون امام بودند اما او باز هم منزل به منزل حجت را تمام می کرد. آن گاه که پیکی از کوفه رسـید و خبر شهادت مسـلم و هانی و قیس و عبـدالله بن یقطر را به امام رسانـد، آن حضـرت در منزل گاه «زباله در میان یارانش بپاخاست و فرمود:«بسم الله الرحمن الرحیم اَمّا بَعْدُ، فَقَدْ اَتانا خَبَرٌ فَضیعٌ قَتْلُ مُسْلِمِ بْنِ عَقیل وَهانِی بْنِ عُرْوَه وَعَبْدِ اللهِ بْنِ یَقْطُرْ، وَقَدْ خَذَلَتْنا شیعَتُنا فَمَن اَحَبَّ مِنْکُمُ الاِنْصِرافَ فَلْیَنْصَرِفْ لَیْسَ عَلَیْهِ مِنّا ذِمامٌ» به نام خداوند بخشنده مهربان اما بعد، همانا خبر دردناک کشته شدن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبدالله بن یقطر به ما رسید، شیعیان ما در کوفه ما را خوار کردند، پس هر کس از شـما دل در گرو بازگشـتن دارد، پس باز گردد که از طرف ما مورد نکوهش قرار نخواهـد گرفت اما یاران امام بر مانـدن و فـداکاری آزادانه تأکیـد کردنـد.سـپس امـام حسـین (ع) به برادران مسـلم بن عقیـل رو کرده و فرمود:«یـا بَنی عَقیلٍ حَسْبُکُمْ مِنَ الْقَتْلِ بِمُسْلِمٍ فَاذْهَبُوا اَنْتُمْ فَقَدْ اَذِنْتُ لَکُمْ»ای فرزندان عقیل شـهادت مسـلم بن عقیل شما را بس است پس شما نیز بروید زیرا من

شما را اجازه دادم »اما فرزندان عقیل نیز از جای برخاسته و هر یک با کلامی از سر عشق و ارادت و دل دادگی بر ماندن و یاری امام شان پافشاری کردند.امام سجاد (ع) می فرماید: در شب عاشورا، پدرم اصحاب و یاران و همراهان خود را در خیمه ای جمع کرد و خطاب به آنان فرمود:«یا اَهْلی وَشیعَتی اِتَّخِذُوا هذَا اللَّیْل ِ جَمَلاً لَکُم ٠فَانْجُوا بِاَنْفُسِکُم ٠فَلَیْس َ الْمَطْلُوب ٠غَیْری وَلَوْ قَتَلُونی ما فَکَّرُوا فیکُم ٠فَانْجُوا رَحِمَکُم ٠اللهُ وَاَنْتُم ٠فی حِل ٍ وسعه من ٠بیعَتی وَعَهدی الَّذی عاهَدتُمُونی ای خاندان و شیعیان من این شب را چون شتری راه وار تلقی کنید و جان هایتان را برداشته وبروید که دشمنان جز مرا نمی خواهند و آن گاه که مرا بکشند، در فکر شمان خواهند بود، خداوند شما را رحمت کند، پس خود را نجات دهید که من بیعتم را از شما برداشتم و پیمانی را که با من بستید، نادیده انگاشتم »اما یاران آن حضرت سوگند خوردند که تا آخرین قطره خونشان از حریم او دفاع کنند. آن گاه امام باز فرمود:«یا قَوْم ِ اِنّی فی غَدٍ اُقْتَل ُ وَتُقْتَلُون َ کُلُّکُم ٠مَعی وَلا یَبْقی مِنْکُم ٠واحِدٌ؛ای مردم من فردا کشته می شوم و همه شما نیز با من کشته خواهید شد و حتی یکی از شما باقی نخواهد ماند.»و یاران یک صدا حمد و ثنای الهی را به جای آوردند.

سرایش سرود حریت در هنگامه نبرد

ابن زیاد، قبل از آغاز نبرد روز عاشورا، بار دیگر امام حسین (ع) را با انواع روش ها از جمله تطمیع به بیعت با یزید فراخواند. او را وعده دنیا و مواهب دنیوی داد و از او و یارانش خواست که با عزت و احترام به کاخ

یزید بار یافته و روزگار باقی مانده از عمر خویش را درکام جویی و بهره مندی از انواع لذایذ دنیا سپری کنند،اما سرور و سالار آزادگان به خروش آمد و فرمود:«ألا وَاِن َالدَّعِی َبْن َالدَّعِی َقَدْ رکز بَیْن َإثْنَتَیْن ِ، بَیْن َالسِّلَّه ِ وَالذلَّه وَهَیهات َمِنّا الذِّلَّه یَأْبی اللهُ ذلِک َلَنا وَرَسُولُه ُوَالْمُؤْمِنُون َوَ حُجُورٌ طابَت ْوَطَهُرَت ْوَاُنُوف ٌحَمِیَّه ٌوَنُفُوس ٌاَبِیَّه ٌمِن ْاَن ْنُؤْثِرَ طاعَه َاللئام ِ عَلی مَصارِع َالْکِرام ِ؛بدانید که این فرومایه فرزند فرومایه مرا میان دو راه مخیر ساخته است میان شمشیر و ذلت و هیهات که ما تن به خواری دهیم زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از این کار ابا دارند، و دامن های پاک مادران و انسان های پاک دامن و جان های آزاده و با غیرت و نفوس با شرافت روا نمی دارند که ما فرمان برداری از فرومایگان را بر قتل گاه آزاد مردان ترجیح دهیم »و در بار دیگر فرمود:«ألا تَرَوْن َاَن َالْحَق َلایُعْمَل ُبِه ِ وَاَن َالْباطِل َلایُتَناهی عَنْه ُ؟ لِیَرْغَب َالْمُؤْمِن ُفی لِقاءَاللهِ مُحِقّاً، فَاِنّی لااَرَی الْمَوْت َاِلّا سَعادَه ًوَالْحَیاه َمَع َالظّالِمین َاِلّا بَرَماً؛ آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل دوری نمی گزینند؟ در این صورت سزاوار است که مؤمن با آزادگی و عزت لقای پروردگارش را طلب کند، پس من مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با ستم کاران را جز اسارت و بدبختی نمی بینم »

آخرین آزمون آزادگی در هنگامه نبرد

ولایت محوری در اندیشه یاران امام موجب شد تا یکی یک به محضر امام باریافته و برای فداکاری و جانبازی در راه دین خدا، اذن میدان بگیرند و امان نیز در این آخرین لحظات هر یک را دوباره با معیار آزادگی امتحان می فرمود، از

جمله آن گاه که «هلال بن نافع ، از امام اذن جهاد می گرفت همسر جوانش دوید و دامن او را گرفت و گفت پس از تو به کجا بروم و به چه کسی تکیه کنم و آن گاه به شدت گریست امام رو به هلال کرد و فرمود:«یَابْنَ نافِعٍ اِنَّ اَهْلِكَ لا يَطيبُ لَها فِراقُكَ، فَلَوْ رَأَيْتَ اَنْ تَخْتارَ سُرُورَها عَلَى الْبَرازِ؛ای پسر نافع همانا همسرت فراق تو را نمی پسندد، پس اگر می خواهی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها اختیار کن »اما او پاسخ داد که ای پسر رسول خدا، اگر امروز تو را یاری نکنم فردای قیامت جواب پیامبر (ص) را چگونه بدهم و آن گاه به میدان رفت و ان قدر مبارزه کرد تا به شهادت رسید.یاران حسین (ع) یکی پس از دیگری به محضرش می شتافتند و پس از آن که اذن جهاد می گرفتند، به میدان رفته و سرانجام به شهادت می رسیدند. نوبت به عبدالله پسر مسلم بن عقیل رسید. او با اشتیاق به نزد امام شتافت و اذن نبرد خواست حضرت فرمودند:«اَنْتَ فی حِلٍّ مِن بَيْعَتی حَسْبُكَ قَتْلُ اَبيكَ مُسْلِمٍ خُذْ بِيَدِ اُمِّكَ وَاخْرُج مِن هذِهِ الْمَعْرِكَه ای فرزند مسلم من بیعتم را از تو برداشتم شهادت پدرت مسلم تو را بس است دست مادرت را بگیر و از این معرکه بیرون برو.»اما او نیز هم چون دیگر یاران امام (ره با شیرین زبانی رضایت و طیب خاطر خود را از شهادت در رکاب آن حضرت سرود.

توصیه حریت و آزادگی به دشمن

در واقعه دردناک عاشورا، آزادگی به سان خونی است که در رگ های این نهضت سترگ می جوشد. واپسین لحظه های غروب عاشوراست جسم پاک حضرت اباعبدالله الحسین (ع)،

پاره پاره از جفای دشمن در گودال قتل گاه بر زمین افتاده است حرامیان وحشی آل ابی سفیان به خیام امام یورش می برند.صدای ضجه زنان و کودکان بلند می شود و به گوش امام می رسد. خورشید تابناك غیرت و کوه آزادگی و مروت در آن حال نزار بر می خروشد و فریاد می زند: «و یحکم یا شیعه آل أبی سفیان ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد، فکونوا احراراً فی دنیاکم هذه و ارجعوا إلی احسابکم إن کنتم عربا کما تزعمون وای بر شما ای شیعیان آل ابوسفیان اگر دین ندارید و از معاد و قیامت نمی ترسید،پس در این دنیا آزاده باشید.واگر خود را عرب می پندارید، به جای خود برگردید.»شمر که در کنار گودال قتل گاه لحظه ننگین موعود را انتظار می کشید، صدای نحیف امام را شنید و جلو آمد و گفت ای پسر فاطمه چه می گویی و امام پاسخ داد: «أناالذی اقاتکم و تقاتلونی و النساء لیس علیهم جناح فامنعوا عتاتکم و طغاتکم و جهالکم عن التعرض لعرمی مادمت حیا؛من و شما با یکدیگر در نبردیم و زنان که در این معرکه مسئولیت و گناهی ندارند،پس متجاوزان و ستم گران و جاهلان خود را تا من زنده ام از تعرض به حرم و خیمه گاه من بازدارید.»

عبودیت و حریت هدف غایی تربیت عاشورایی

آری امام حسین (ع) مظهر کامل آزادگی کرامت انسانی و عزت ایمانی است از مهم ترین اهداف تربیت این است که انسان به قله ای صعود کند که اعتلای روحی یافته و خود را از پستی و فرومایگی به دور دارد و حرمت و شرافت و شخصیت انسانی اش را در همه حال حفظ نماید. انسان تربیت شده در برابر

حوادث گوناگون روزگار، به صلابت و استواری و استحکامی نایل شده است که سختی و راحتی نقمت و نعمت شکست و پیروزی او را به سستی و تباهی نمی کشاند. او هرگز در هجوم فتنه ها و پستی و بلندهای روزگار، به خواری و فرومایگی زبونی و اسارت و بردگی تن نمی دهد. قرآن می فرماید: (ان الانسان خلق هلوعا – اذا مسه الشر جزوعا – و اذا مسه الخیر منوعا – الا المصلین –الذین هم علی صلاتهم دائمون ؛همانا انسان حریص و بی ثبات آفریده شده است آن گاه که سختی و نقمتی او را رسد، سخت بیچاره می شود و آن گاه که به راحتی و رفاهی دست یابد، بسیار تکبر می ورزد، به جز نماز گزاران آنان که در نمازشان دائمند.قرآن نیز بر این نکته مهم تربیتی تأکید می کند که آزادی از آفات فراز و نشیب های روزگار، جز در سایه عبودیتی که موارد بر زندگی انسان سایه اندازد و ملکه وجودی او شود، به دست آمدنی نیست نمازگزاری که در همه حال عبودیت پیشه اوست نه در هنگام سختی به حضیض ضعف می افتد و نه در پیروزی و رفاه به آفت منیت و غرور مبتلا می شود.و حسین (ع) حقیقت آزادگی را در دشت کربلا، به تمام معنا تفسیر کرد. او انسانی است که در همه تاریخ و برای همه نسل ها، الگوی آزادگی است چرا که در هیچ حال به خواری و زبونی تن نداد.فرزندان و یارانش یکی پس از دیگری در مقابل چشم او کشته شدند، خیام او به غارت رفت خاندانش به اسارت درآمدند، بدنش با شمشیرها و نیزه ها تکه تکه شد، اما روح استوارش حتی در آخرین لحظات

حیات آزادی و آزادگی را سرود.چنین عزت و افتخار و آزادگی جز از مسیر عبودیت الهی به دست نمی آید،زیرا که (ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین ......»وعزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است وخود امام حسین (ع) در دعای عرفه این مقام و مرتبت عبودی را در مناجات باپروردگارش چنین می سراید: «یا من خص نفسه بالسمو و الرفعه فأولیاؤه بعزه یعتزون ای خدایی که ذات خود را به علو مقام وعزت و رفعت مخصوص کردی پس دوست دارانت را به عزّت و سربلندی خود، عزیز ساختی .

فرجام سخن

حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، عالی ترین الگوی آزادی و آزادگی برای بشر است او به ما نشان داد که سجیه آزادگی و کرامت نفس از نعمت وجود نیز برتر است درس بزرگ کربلا این است که انسان چگونه باید گوهر انسانی خود را از زبونی و دنائت نگه دارد و با خود آگاهی عبودیت و سرانجام آزادگی به هدف عالی حیات نایل آید. انسانیت تنها بر کیمیای خود آگاهی استوار است و انسانی که گوهر ذاتی خود را کشف نکند، از وجود خویش نیز تعریف و تعبیر درستی نخواهد داشت تاریخ آزادگی و آزادگان همان تاریخ معرفت گوهر ذاتی و خود آگاهی است که نتیجه ای جز کرنش در مقابل حقیقت و نیل به مراتب عالیه عبودیت نخواهد داشت امام حسین (ع)، هستی و وجود انسانی را از زاویه خود آگاهی می نگرد و برای حفظ و اعتلای آن با تمام امکانات و توانایی اش همت می ورزد.آزادگی مفهومی عالی است که از خودآگاهی سرچشمه می گیرد، با این تفاوت که به حوزه وجدان انسانی نیز مربوط

است لـذا آزادگی برای انسـان رشـد یافته و خودآگاه به عنوان بهره وری معقول و اصولی از همه کمالات انسانی محسوب می شود. اگر انسـان به قله آزادگی که عـالی ترین مرتبه کرامت نفس است دست یابـد، نمی توانـد از آن چشم پوشـی کنـد، زیرا مهمـل گذاشـتن آن نفی انسـانیت و شخصـیت انسانی او است انسانی که از آزادگی و عزت و کرامت تهی است از هر حیوانی درنـده خوتر است و به هر پسـتی و پلشتی آلوده می شود، امـا آن گـاه که چراغ جـان آدمی به عزت و آزادگی فروزان شـد و هویت انسـانی اش رنـگ کرامت گرفت زنـدگی و برخورداری از حیات را جز براساس مناسـبات عالی انسانی و روابط ایمانی نمی خواهـد واگر حیات و هستی اش بر وفق این مراد نگشت مرگ را بر زنـدگی در بند سـتم گری و ذلت پذیری ترجیح می دهـد، و امام حسـین (ع) عالی ترین نمونه این آزادگی خود آگاهانه در تاریـخ بشـری است قصـد جانان کرد و جان بر باد داد رسم آزادی به مردان یاد داد

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹